

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

خالق داد پغماني - مونس

۲۵ اکتوبر ۲۰۱۵

سخنی با فرد دیگری از باند "هاشمیان"

وقتی هفته قبل مقاله "دعای خر با هُدهُد" را نگاشتم، از شما چه پنهان بیشتر از آن نمی خواستم به ارتباط "هاشمیان" و باندش وقت بگذارم، این که گفته اند "خواستن، توانستن نیست" فکر می کنم در اینجا عکس آن نیز صدق می نماید، یعنی "خواستن هم همیشه نمی تواند معادل نکردن" تلقی گردد، چه در بعضی مواقع اتفاقاتی می افتد که انسان را ناگزیر به عکس العمل می سازد، از جمله وقتی انسان به صورت مستقیم مخاطب قرار می گیرد، شرط ادب هم حکم می نماید تا پاسخی هر چند مختصر در زمینه داده شود.

این مسأله به ارتباط نوشته یکی از اعضای فوق العاده دانشمند!! باند "هاشمیان" برایم اتفاق افتاد، که شرح آن چنین است:

قبلاً هم برایتان نوشته ام که خود به مناسبت مسایل امنیتی هیچ گاهی سری به نشریه استخبارات المان یعنی "افغان جرمن-آنلاین" نمی زنم، زیرا اینجا و آنجا خوانده ام که "مستری های کمپیوتر" آن سایتک، با برخورداری از امکانات استخباراتی کشور المان به خصوص "زیمس" می توانند داخل کمپیوتر های طرف مقابل شده، با دستکاری های لازم، آن را در اختیار دایمی خود قرار دهند، بدون آن که صاحبش متوجه شود.

همین امتناع از سر زدن به آن نهاد استخباراتی باعث می گردد، که زیاد از تحولاتی که در آنجا صورت می گیرد، مطلع نگردم؛ با آنهم تعدادی از دوستان که عادت می دانند، لطف نموده وقتی ذکری از این قلم در آنجا به عمل آید، با ارسال آن نوشته، من را در جریان قضایا قرار می دهند. از لطف شان همیشه مشکورم. چنانچه همین یکی دو روز قبل سه متن را که همه دارای یک عنوان است و دو عدد آن به فارمت "پی. دی. اف" است و سومی به فارمت "وورد" برایم ارسال داشتند، معنون به "از اقیانوس تا لب جوی" که گویا فردی به نام "نبیل عزیزی" نخست آن را در نظر خواهی بخش دری سایتک استخبارات المان، نگاشته و بعد از ویراستاری به وسیله "از ما بهتران" و چه بسا استادان ادب دری "آن سایتک، به تاریخ ۱۷ اکتوبر، در همانجا منتشر شده است.

وقتی هر دو متن را از نظر گذشتم، نخستین احساسی که برایم دست داد، درک واقعیت یک جمله رفیق و برادرم آقای "موسوی" بود که چندی قبل در مواجهه با افرادی در سطح و سویه شخص "خر فیلسوف هاشمیان" و باند بیسوادتر از وی، نگاشته بود: "ما را ببین که مجبوریم با چه کسانی تقابل قلمی داشته باشیم".

در همان زمان وقتی این جمله "موسوی" را خواندم، مستقیماً با وی نظرم را در میان گذاشتم که چنین برخوردی با رقباء تحقیر آمیز و توهین کننده است و می تواند خواننده را بدین فکر بیندازد که نویسنده چنین جمله ای می تواند شخص خود خواه و خود مرکز بین باشد.

یادم می آید، در همان زمان "موسوی" گفت: "خالق جان، اگر تو هم در جریان مبارزه به عین واقعیت برخورد نکردی و دلت به حال خودت نسوخت، حاضرم از آنهایی که چنین شماتت شده اند، بار بار پوزش بخواهم."

حال مدتها بعد از آن مکالمه بین من و "موسوی"، وقتی این نوشته آقای "عزیزی" را چه قبل از ویراستاری و چه هم بعد از ویراستاری خواندم و دیدم که در جایی به صورت مستقیم از من هم یاد نموده، نه تنها دلم به حال خودم سوخت که ما را ببین که با چه نادان هائی باید سروکله بزنیم، به این فکر هم افتادم که نکند، "هاشمیان" که برخی از دوستان او را "فلوته باز" و "شیاد" گفته اند، با استمداد از افرادی در سطح آقای "عزیزی" از یک طرف می خواهد سطح بحث را پائین بیاورد و از جانب دیگر برای افرادش کورس سواد آموزی دایر نموده و ما را بدون آن که بدانیم، به نحوی با تصحیح اغلاط املائی و انشائی اعضای باندش مصروف می سازد.

برای این که فکر نکنید، پای تهمتی در میان است، نخست آن نوشته نظرخواهی را می آورم:

" عزیزی نبیل

از اقیانوس تا لب جوی

از مدتی چندین ماه به اینطرف در یکی از وبسایت گمنام که متصدیان آن یکی خود را درویش و دیگرش با افتخار خودش را کمونیست و مانیویست معرفی میکنند به خاطر نداشتن مطالب جالب و آموزنده دیگر با نوشتن مقالات توهین آمیز عنوانی پورتال افغان جرمن آنالین و جناب داکتر صاحب هاشمیان صفحه انترنتی خویش را چراغان نموده اند."

"صرف به خاطر اینکه پورتال افغان جرمن آنالین در نظر دارد تا اولین قاموس دری را تهیه و در اختیار هموطنان قرار دهد و یا اعطای لقب استاد دری را به دو خاتم فرهیخته افغان.

به جای آنکه همکاری خویش را جهت رشد فرهنگ افغانی اعلان نمایند برعکس وبسایت خویش را پر از مضامین میان خالی و به سویه کوچه و بازار نموده اند.

نوشته های تحت عناوین ذیل تا اکنون به نشر رسیده و ادامه دارد :

"هاشمیان" نوشادر استفاده کرده است

"هاشمیان" یکی از جواسیس "مادر زاد"

"خطاب به هاشمیان: و لعنة هلا علی الکاذبین" (هفت قسمت)

"تقلید میمون وار" هاشمیان"

"هاشمیان" تجسم کاملی از یک "نادان پرمدعا و ..."

هاشمیان را ببرید و ببندید به طویله!

عناوین فوق خود نمایندگی از محتوی آنها میکند. روی این ملحوظ قصدنا خواستیم که نقل قول از نوشته های شان را واقعا شرم آور است. بیرون دهم..."

"چون انتظار من از "انقلابی ها" و "درویشان" که بعضی دوستان حتی لقب استاد زبان دری و یا اقیانوس را برای شان طبعاً هر فرد حق دارد که از خود دفاع نماید و یا دیگران را نقد و یا انتقاد اعطاء نموده اند طور دیگری است. اقال دوستان انقلابی ما مسئله انتقاد و نماید، اما نه بدین گونه. انتقاد به مفهوم اصلی به معنای ارزیابی منطقی است.

انتقاد از خود را باید در درسهای کمونیستی خویش آموخته باشند.

"نقد بر کالم هم یعنی عیبهای پنهانش را نمایاندن و انتقاد در این مفهوم به معنای ارزیابی منطقی آن است. نقد یعنی یافتن و نشان دادن تا اگر کسی خواست بتواند راهش را بیابد و اگر نخواست عذری نداشته باشد از این رو نقد و شمتانت از کنیه برمیخیزد و به انتقام میانجامد در حالی که نقد و انتقاد به معنای، بی طرفی و بررسی و نهفتهها را برمال کردن است."

آیا پورتال افغان جرمن آنالین و دیگر دوستان کدام اقدام غیر ملی و یا انسانی کرده اند که با ایشان اینگونه برخورد شود. به جای آنکه جهت رشد فرهنگ افغانی به این عملکرد پورتال لبیک گویند و به حیث یک افغان چیز فهم همکاری خویش اعلان نمایند، برعکس قبل از آغاز، دست به تخریبکاری و ضد و نقیض نویسی بر ضد جناب پروفیسر هاشمیان و پورتال افغان جرمن آنالین قد علم نمودند و هویت و ظرفیت خویش را برمال ساخته اند. من نه به خاطر دفاع و وکالت از شخصی این چند سطر را نوشته کرده ام، بلکه طرز برخورد این قلمبستان مرا مجبور ساخت. کسی که خود را درویش می نامد باید مانند یک درویش با هموعان خویش برخورد نماید. درویش در کالم بزرگان:

ابوالحسن خرقانی (به نقل از تذکرة الاولیاء): درویش کسی بود که او را دنیا و آخرت نبود، و نه در هر دو نیز رغبت کند، که دنیا و آخرت از آن حقیرترند که ایشان را با دل نسبت بود.

ابوسعید ابوالخیر (به نقل از اسرار التوحید): درویشان نه ایشان اند، اگر ایشان ایشان بودندی نه درویشان بودندی، اسم ایشان صفت ایشان است. هر که به حق راه طلبد، گذرش بر درویشان باید کرد، که در وی ایشانند."

این است تمام مطلب آقای "عزیزی" که هنوز هم می توانید آن را در درجه نظرخواهی آن سایتک استخباراتی مشاهد کنید. ریسک سرزدن به آنجا به گردن خودتان، زیرا اگر کدام اتفاقی برایتان افتاد نگوئید که داد خالق من را بدانجا فرستاده بود.

اینهم قسمی از نوشته ویراستاری شده به فارمت "پی. دی. اف.":

نبیل عزیزی

17 / 10 / 2015

از اقیانوس تالاب جوی

از مدتی چندین ماه به اینطرف در یکی از وبسایت گمنام که متصدیان آن یکی خود را درویش و دیگرش با افتخار خودش را کمونیست و مانویست معرفی میکنند به خاطر نداشتن مطالب جالب و آموزنده دیگر با نوشتن مقالات توهین آمیز عنوانی پورتال افغان جرمن آنالین و جناب داکتر صاحب هاشمیان صفحه انترنتی خویش را چراغان نموده اند.

آیا شایسته ای اشخاصیکه دم از درویشی و یا انقلابی میزنند، است که بنام خویش و یا بنام های مستعار مانند: پغمانی، لغمانی، آزادل و... صفحات را سیاه نمایند؟

خوانندگان نهایت عزیز!

نخست می خواستم، متن نسخه "پی. دی. اف." را نیز به صورت کامل برایتان نقل نموده، بعداً در مورد تبصره نمایم، مگر بعداً دلم به حال شما و به حال صفحه انترنیت سوخته از آوردن آن خودداری ورزیدم. زیرا نه شما سزاوار تحمل چنین عذابی هستید و نه صفحه انترنیت.

چون حوصله شمار اغلاط املائی آقای "عزیزی" را ندارم، با اجازه کارم از توجه به نوشته ویراستاری شده و فارمت "پی. ئی. اف." آن در زمینه انشاء آغاز می نمایم.

ویراستار نهاد استخباراتی که ممکن یکی از آنهایی باشد که تازه مفتخر به دریافت لقب "استاد ادب دری" شده است وقتی جمله آقای "عزیزی" را بعد از مشاهده و تصدیق به این شکل نشر می نماید:

"از مدتی چندین ماه به اینطرف در یکی از ویسایت گمنام که متصدیان آن یکی خود را درویش و دیگرش با افتخار خودش را کمونیست و مائویست معرفی میکنند" با نوشتن همین یک جمله دو غلطی انشائی در سطح قبیح و یک دروغ و یک بهتان آشکار را جواز نشر می دهد.

حال از آقای "عزیزی" که این روز ها اندکی مصروفیت شان با نوشت و خوان نیست می گذریم، ایشان هم می توانند خدا را شاکر باشند که طرف شان با سنج "خر فیلسوف" خودشان یعنی "هاشمیان" به قضایا برخورد نمی کند، ورنه به اساس مشغولیت های فعلی که دارند، ایشان را "سموارچی" اعلام داشته، حق ابراز نظر را از ایشان می گرفتیم. و می پردازیم به "استادان ادب دری" که بقیه گونه تقلید مار کرده نشیمنگاهشان را افکار نموده اند:

در جمله فوق آمدن حرف "ی" بعد از کلمه "مدت" بدان معناست که نویسنده می خواهد با ترکیب "مدتی" یعنی پیوند حرف "ی" - نکره باشد و یا وحدت در اساس فرقی به وجود نمی آورد- با حرف "ت"، نمی خواهد زمان معین بدارد- روز، هفته، ماه و یا سال هریک باشد، فرقی ندارد، - مگر به دوام آن و بدون انقطاع آوردن "چندین ماه"، که مبین یک قید زمانیت، خصوصیت "یای" چسبیده به "ت" را در هر دو حالت - نکره و یا وحدت- زیر سوال برده، خواننده می باید از خود بپرسد که سرانجام آیا صحبت از یک زمان معلوم است و یا مجهول. "استادان ادب دری" جهت احتراز از یک قباحث انشائی می توانستند بنویسند "از مدت چندین ماه به اینطرف" و یا "از مدتی به اینطرف". امیدوارم این نخستین درس از دستور انشاء را "استادان ادب دری" از استاد کم سواد شان خرفیلسوف زمان پرسیده، آن را قبل از قورت دادن و بیرون دادن مجدد، به قدر لازم "نشخوار" نمایند.

در همان جمله وقتی ادامه می یابد **"در یکی از ویسایت گمنام"** باز هم آمدن حرف "ی" اضافی بعد از حرف "ک" کم سواد نویسنده را آشکار می سازد، زیرا با همان یک "ی" نویسنده نشان می دهد که از لحاظ انشائی نمی تواند بفهمد که وقتی "یکی از" می نویسد باید، در قبال خود انتخاب از جمع را داشته باشد، کاری که آقای "عزیزی" بر مبنای مشغولیت های بیحد شان قادر به درک آن نیستند و می بایست از طرف ویراستاران اصلاح می شد، چه کنیم که سواد ویراستاران هم چیزی در همان حد "سموارچی" عزیز ماست. اینها اگر می خواستند، آن جمله را درست و بدون قباحث انشائی بنویسند می بایست چنین می نگاشتند: **"در یک ویسایت گمنام"** و یا **"در یکی از ویسایت های گمنام"**.

دروغ در همان جمله "گمنام" اعلام داشتن پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" است. زیرا نفس مراجعه آقای "عزیزی" و بقیه باند "هاشمیان" بدان و داشتن بیش از ۳۷۵ همکار قلمی از سراسر جهان، همکاری با تمام سازمانهای انقلابی و میهنپرست افغانستان و ایران، یکی از همکاران دایمی "رسانه های الترناثیف" از سنخ "شبکه ولتر"، "ضربه متقابل" "تلاکسکالا" و ... که هریک هزاران خواننده را با خود به طرف پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" می آورد، بیانگر آن است که پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" به کوری چشم دشمنانش نه تنها یک

"سایت گمنام" نیست، بلکه در برخی از موارد، بیش‌تاز ترین و مؤثر ترین نشریه الکترونیک در بین رسانه های افغان و ایرانی بوده، نویسنده با ذکر چنان دروغی، فقط آرزوی شوم خودش را در قبال پورتال بیان داشته است. و اما این که کس و یا کسانی در پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" خود را "مائویست" گفته باشد، از همین جا تا بی نهایت وقت پیشکش "هاشمیان" و باندش. به تبعیت از تحلیل های دوست عزیزم آقای "موسوی" در موارد مشابه، این بهتان شما می تواند دو مبنا و اساس داشته باشد، پایه معرفتی و پایه طبقاتی. به عبارت دیگر یا همه تان آنقدر الاغ تشریف دارید که فرق بین "اندیشه مائوتسه دون" و "مائویزم" را نمی دانید و یا تا هنوز آنچه را خلق و پرچم و بادران شان در زمان حاکمیت جنایتکارانه شان به خورد تان داده و طرفداران "اندیشه مائو" را "مائویست" نام نهاد اند، چنان به باورتان مبدل شده که نمی توانید هیچ زمانی از آن دوری کنید. خوانندگان نهایت عزیز!

باور کنید وقت ندارم ورنه تمام نوشته این بیچاره مفلوک را سطر به سطر باز نموده، کم سوادی خودش و "استادان ادب دری" شان را "بینه به بینه" به اثبات می رسانیدم، چه کنم که نه وقت اضافی دارم و نه هم "نزد کله خر یاسین خواندن" سودی دارد. باز هم از دستان پشت پرده سایتک استخبارات المان به زبان دری می پرسم: در کدام بخش از لست نویسندگان کسی به اسم، "لغمانی" با همین تخلص با پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" همکاری کرده که "لغمانی" را با "لغمانی" هم قافیه می سازی؟ الاغها، هیچ می دانید با این حرف تان، گرداننده اصلی سایت خودتان، پسر "کبیر رنجبر" بردار زاده "صمد ازهر" دو تن از قاتلان بیرحم خلقهای افغانستان یعنی "قیس کبیر" را نشانی می دهید؟

ما به صراحت اعلام می داریم که به همان سانی که درب صفحات پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" بر روی عناصر شریف خلق "لغمان" باز است، این را افتخار خود می داند که در طول بیش از ۷ سال عمرش، هیچ گاهی به هیچ یک از خود فروختگان "لغمانی" و یا کدام نقطه دیگر از خاک ما اجازه همکاری نداده است، لذا قافیه سازی "استادان ادب دری" همان تف رو به بالا است که در نهایت بر روی تف کننده، یعنی "لغمانی" سایتک استخبارات المان فرو می افتد.

آقای "عزیزی"!

از من آزرده نگردید زیرا انجام "امر به معروف و نهی از منکر" از وجایب هر انسان آگاه و فهمیده است، فکر می کنم وقتی خرد بوده اید، در تربیت خانوادگی شما این نکته جایی نداشته، "که وقتی بزرگتر ها حرف می زنند، کوچکتر ها باید ساکت مانده گوش کنند، مگر این که مورد پرسش قرار گیرند"، اشکالی ندارد، اگر در خردی کسی شما را متوجه این نکته نساخته است، اینک به صورت مفت و مجانی من برایتان، می گویم:

"وقتی پروفیسور هایت خر فیلسوف می شوند، لطف نموده زبان باز نکن و رنه با هر کلمه ای خر فیلسوف را دشنام خواهی داد"

خطاب به خر فیلسوف زمان:

وقتی دوستانی در سطح و سویه آقای "عزیزی" داری، نباید از داشتن دشمنانی چون ما گله مند باشی. زیرا آنها نیز با آوردن رباعی خیام در اساس می پذیرند که تو احمق گنهکار هستی، و از ما التجاء دارند که نباید تو را مجازانت نمائیم.